اخبار

رهبر کره‌شمالی:

انقلاب دوم زرهی در راه است

رسانه دولتی کره‌شمالی روز یکشنبه گزارش داد که رهبر کره‌شمالی از یک کارخانه تانک‌سازی «مهم» بازدید کرده و از «پیشرفت بزرگ در فناوری اصلی تانک‌های سبک کره‌ای» تمجید کرده است.

به گزارش ایسنا، «کیم جونگ اون» رهبر کره‌شمالی در سخنان خود گفت که تولید تانک‌ها و خودروهای زرهی پیشرفته، کلید نوسازی ارتش و دستیابی به طرح حزب حاکم برای «انقلاب دوم در نیروی زرهی» است.

سفر کیم در بحبوحه تلاش گسترده‌تر برای نوسازی نیروهای مسلح متعارف کره‌شمالی علاوه بر زرادخانه‌های هسته‌ای و موشکی آن صورت می‌گیرد. رهبر کره‌شمالی اخیراً در مراسم به آب انداختن یک ناوشکن دریایی جدید و آزمایش پهپادهای جدید و سایر سلاح‌ها شرکت کرد.

مقامات کره‌جنوبی و ایالات متحده مدعی هستند که کره‌شمالی در ازای ارسال همات، موشک‌ها و نیرو برای جنگ در اوکراین، از روسیه کمک فنی و نظامی دریافت می‌کند، اما هیچ ادعایی تاکنون تأیید نشده است. بر اساس گزارش خبرگزاری رسمی مرکزی کره‌شمالی موسوم به «کی‌سی‌ان‌ای»، کیم جونگ اون همچنین بر لزوم جایگزینی خودروهای زرهی قدیمی با خودروهای جدیدتر تأکید کرد.

این خبرگزاری در بیانیه‌ای اعلام کرد: «رفیق کیم جونگ اون بر عملیات کارخانه اصلی تانک‌سازی نظارت داشت... او از بخش‌های مختلف کارخانه بازدید کرد و از نزدیک وضعیت تولید، نوسازی و اجرای مأموریت تحقیق و توسعه تانک‌های اصلی را بررسی کرد.»

رهبر کره‌شمالی تأکید کرد که جایگزینی خودروهای زرهی قدیمی با تانک‌های جدیدتر و خودروهای زرهی مدرن، مهم‌ترین مسئله در نوسازی نیروهای زمینی است. به گزارش این خبرگزاری، او از نوسازی سیستم‌های طراحی و شلیک تانک‌ها ابراز رضایت کرد.

کیم جونگ اون از مسوولان این کارخانه خواست تا «بی‌وقفه» فناوری‌های خود را بهبود بخشد، نرخ تولید را افزایش دهد و به بهبود محیط کار توجه کند.

پاکستان بنادر خود را به روی هند بست

پاکستان در واکنش به ممنوعیت وارداتی که هند دیروز(شنبه) علیه اسلام‌آباد اعمال کرد، بنادر خود را به روی کشتی‌های هندی بست.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از ایندیاتودی، در ادامه تشدید تنش‌ها بین دهلی‌نو و اسلام‌آباد در پی حمله به گروهی از گردشگران در کشمیر تحت کنترل هند، پاکستان امروز در پاسخی متقابل، بنادر این کشور را به روی کشتی‌های هندی بست.

به نوشته «داون»، این تصمیم با هدف «صیانت از حاکمیت دریایی، منافع اقتصادی و امنیت ملی پاکستان» اتخاذ شده است.

سازمان بنادر و کشتیرانی پاکستان اعلام کرد که هیچ کشتی با پرچم هندوستان اجازه ورود به بنادر پاکستان را نخواهد داشت.

وزارت امور دریایی پاکستان که سازمان بنادر زیر نظر آن فعالیت می‌کند، همچنین اعلام کرد که کشتی‌های پاکستانی نیز مجاز به ورود هیچ‌کدام از بنادر هندی نیستند و هر گونه معافیت، به طور موردی بررسی خواهد شد.

این تصمیم در واکنش به اقدام مشابه هند مبنی بر ممنوعیت ورود تمام کالاهای پاکستانی به دهلی‌نو، اتخاذ شد. عوارض گمرکی بر کالاهای پاکستانی پس از حمله پولوآما در سال ۲۰۱۹، به ۲۰۰ درصد افزایش یافته است.

در پی حمله ۲۲ آوریل در اقامتگاه گردشگری «پهلگام» در کشمیر تحت کنترل هند، ۲۶ نفر که عمده آنها گردشگر بودند، کشته شدند.

هندوستان، کشور همسایه را مقصر این حمله خوانده اما اسلام‌آباد هرگونه ارتباط با این حادثه را رد کرده است.

با این حال، اسلام‌آباد پیشنهاد تحقیقات بی‌طرف تحت نظارت طرف ثالث را درباره ابعاد این حادثه مطرح کرده است.

به دنبال این حادثه و تشدید تنش بین دو همسایه هسته‌ای، روابط تیره‌وتار آنها بیش از پیش تحت‌الشعاع قرار گرفته است. طرفین نسبت به اتخاذ سلسله اقداماتی تلافی‌جویانه از جمله لغو برخی معاهدات، بستن حریم هوایی و برگزاری رزمایش‌های هوایی و دریایی علیه یکدیگر اقدام کرده‌اند.

آگهی مفقودی سند مالکیت ،خانم سولماز آذر به وکالت از طرف خانم سکینه معماریان به شماره سند۱۴۰۴۳۲۱۵۰۱۷۹۰۰۰۰۲۱طی درخواستی منضم به دو برگ استشهادیه که به تصدیق دفتر اسناد رسمی بشماره ۲۴۲تبریز نیز رسیده اعلام نموده سندمالکیت یک دانگ از ششدانگ عرصه و عیان یک قطعه زمین بمساحت۵۵۵ مترمربع بشماره پلاک ۱۵۷فرعی از ۱۱ اصلی باشماره دفتراملاک ال کترونیکی۱۴۰۲۲۰۳۰۴۱۷۲۰۱۳۵۴۴واقع در تبریزخیابان ۳۵ متری سینا بنام سکینه معماریان بعلت اسبابکشی مفقود شده و تقاضای صدور سندالمثنی نموده است.لذا در یک نوبت آگهی منتشر میگردد تا چنانچه به این درخواست معترضی باشدباید ظرف ۱۰ روز سندمعامله یا مالکیت را به این اداره ارائه نماید(کد۵۹۲)

برگ سبز و سند کمپانی مربوط به به نوع وسیله نقلیه : سواری به نام وسیله نقلیه : پژو آردی و رنگ خودرو : سبز یشمی و مدل وسیله نقلیه : ۸۳ و شماره پلاک : ایران۳۳ـ۵۸۵ج۴۴ و شماره شاسی : ۸۳۱۴۴۷۷۲ و شماره موتور : ۱۱۷۸۳۰۴۴۶۷۳ به نام صاحب سند : شرکت سرمایه‌گذاری لیزینگ بانک ملی مفقود شده واز درجه اعتبار ساقط میباشد(کد۶۳۹)

مدرک گواهی موقت پایان تحصیلات کارشناسی اینجانب پوران ثابتی فرزند محمود مفقود شده از درجه اعتبار ساقط می باشد(کد۶۴۰)

مفقودی برگ سبز خودرو سواری پراید نقره ای به شماره انتظامی ۵۷۴ج۷۲ایران ۲۱(کد۶۴۱)

برگ سبز خودروی به نوع وسیله نقلیه : سواری به نام وسیله نقلیه : پراید صبا و رنگ خودرو : نقره ای و مدل وسیله نقلیه : ۱۳۸۷ و شماره پلاک : ۷۲ج۵۷۴ایران ۲۱ و شماره شاسی : S۱۴۱۲۲۸۷۴۶۶۲۵۶ و شماره موتور : ۲۴۰۲۴۹۲ به نام صاحب سند : آفاق شهبازی مفقود شده از درجه اعتبار ساقط می باشد(کد ۶۴۱)

برگ سبز خودروی به نوع وسیله نقلیه سواری پژو نام وسیله نقلیه پژو۲۰۷ رنگ سفید مدل ۱۴۰۱ شماره پلاک ۴۶۱ن۴۱ ایران ۴۰ شماره شاسی NAAR۰۳FE۲NJ۲۶۷۵۳۴ شماره موتور ۱۶۷B۰۱۴۸۰۸۶ نام صاحب سند اکبر مهرابی مفقود شده از درجه اعتبار ساقط می باشد(کد ۶۴۲)

مدارک سند موتور سیکلت و کارت موتور مربوط به موتور سیکلت کبیرموتور ۱۵۰سی سی مشکی رنگ پلاک ۷۸۱_۴۸۳۲۶شماره موتور IRAE۰۹۳۱۳TV۳۳۸۰۰۲ به شماره شاسی CV۰۰۰۱۵۰A۹۳۳۸۰۰۲ به اسم علی وطن دوست مفقوط گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد(کد۶۴۳)

برگ سبز و برگ کمپانی مربوط به خودروی تیوولی مدل ۲۰۱۶ به پلاک ۴۳۲ل۷۷ ایران ۲۲ به رنگ سفید به شماره موتور ۱۷۳۹۱۰۰۲۰۳۹۴۰۴ و شماره شاسی KPT۲۰B۱VSGP۰۶۸۱۸۷ به نام خانم معصومه دلال فرشیدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.(کد۶۴۴)

سند مالکیت و برگ کمپانی خودروی سواری کوئیک هاچ بک مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ایران ۵۰ ۳۸۷ ل ۷۱ به رنگ سفید- روغنی به شماره موتور M۱۵/۹۸۱۰۲۳۸ و به شماره شاسی NAS۸۶۱۱۰۰N۱۰۲۱۱۳۴ به مالکیت علی فاضل مقدم مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد

ترامپ و ایران؛ اشتباهات بوش در عراق تکرار می‌شود؟

ایران قربانی دشمن‌سازی سیستماتیک در قلب واشنگتن

کتاب «تله آشیل» استیو کول، هشداری درباره تکرار خطاهای فاجعه‌بار آمریکا در عراق است و این مسئله می‌تواند در قبال ایران هم مطرح باشد. این تحلیل نشان می‌دهد که چگونه روایت‌سازی هدفمند، تحریف اطلاعات و سلطه لابی‌های پرنفوذ، دیپلماسی را به حاشیه رانده و ایران را به‌نادرست دشمنی دائمی جلوه داده‌اند

اشتباهات بوش در عراق تکرار می‌شود؟فرارو– رضا نصری حقوق دان بین المللی و فارغ‌التحصیل مؤسسه‌عالی‌مطالعات‌بین‌المللی و توسعه ژنو

به گزارش فرارو به نقل از پایگاه تحلیلی هیل، در کتاب «تله آشیل»، استیو کول با نگاهی مستند و موشکافانه، روندی را به تصویر می‌کشد که در آن سوءبرداشت‌های دوجانبه، ضعف‌های اطلاعاتی و تصمیم‌گیری گروهی در بستر نهادهای رسمی، آمریکا را گام‌به‌گام به سمت جنگ فاجعه‌بار عراق در سال ۲۰۰۳ سوق داد. استیو کول در این کتاب نشان می‌دهد چگونه سیاست‌گذاران آمریکایی، درگیر رقابت‌های داخلی و عطش اعتبار در خاورمیانه، پیام‌های چندپهلو و گمراه‌کننده صدام حسین را به‌خطا تفسیر کردند.

دروغ‌هایی که واشنگتن را به جنگ با عراق کشاند، حالا دارند راه تهران را هموار می‌کنند

در همین حال، دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا که زیر فشار مستمر برای ارائه تحلیل‌های قاطع و قانع‌کننده بودند، غالباً بدبینانه‌ترین سناریوها را به‌عنوان واقعیت‌های مسلم عرضه می‌کردند؛ در حالی که از فهم منطق درونی تصمیم‌گیری‌های صدام ناتوان مانده بودند. روایت عراق در این کتاب، تصویری روشن را ترسیم می‌کند که چگونه ایدئولوژی، شتاب‌زدگی نهادی و دستورکارهای سیاسی، ساختاری بسته و خودتأییدشونده از اطلاعات در واشنگتن ایجاد کرد؛ ساختاری که ترس را تقویت کرد، مسیر دیپلماسی را مسدود ساخت و در نهایت، فرضیات نادرست را به مبنایی برای آغاز جنگ تبدیل کرد. عنوان «تله آشیل» به‌خوبی این بن‌بست متقابل میان صدام و ایالات متحده را توصیف می‌کند: چرخه‌ای از سوءبرداشت‌ها که هیچ‌یک از طرفین، توان یا اراده خروج از آن را نداشتند.

این روایت صرفاً بازخوانی یک خطای تاریخی نیست، بلکه هشداری زنده و قابل تأمل برای امروز است؛ روزنه‌ای برای درک این واقعیت که همان نابینایی‌های نهادی که واشنگتن را به دام جنگ عراق انداخت، هنوز هم سیاست خارجی آمریکا را به‌ویژه در قبال ایران شکل می‌دهند. استیو کول در فرضیه مرکزی‌اش هشدار می‌دهد که آمریکا ممکن است قربانی روایت‌های نادرست خودش شود؛ هشداری که در چهار دهه سیاست‌ورزی واشنگتن در قبال ایران، بازتابی هشداردهنده و آشنا دارد. سیاست‌گذاران آمریکایی بارها ایران را نه از دریچه درک متقابل، بلکه با لنز سوءظن، تحلیل کرده‌اند؛ و به‌جای دیپلماسی واقع‌بینانه، همواره بر مطالبات حداکثری تکیه زده‌اند.

ایران نه پنهان‌کار بود، نه متجاوز؛ اما روایت رسمی چیز دیگری می‌گوید

در سیاست‌گذاری آمریکا، پیچیدگی‌های درونی ایران از ساختارهای چندلایه تصمیم‌گیری گرفته تا پیگیری عقلانی امنیت ملی بارها به تصویری یک‌بعدی و تهدیدمحور تقلیل یافته‌اند؛ همان نگاه تقلیل‌گرایانه‌ای که در ابتدای دهه ۲۰۰۰، سیاست آمریکا در قبال عراق را شکل داد. این کاهش سطح تحلیل، از دل همان نیروها تغذیه می‌شود: ساده‌سازی اطلاعاتی، فشار لابی‌های پرنفوذ و فرهنگی امنیتی که بزرگ‌نمایی تهدید را نه‌تنها تحمل، بلکه تشویق می‌کند. برای رفع هرگونه سوءبرداشت: ایران، عراق نیست. این دو کشور در تاریخ، ساختار سیاسی و اهداف ژئوپلیتیکی تفاوت‌های بنیادینی دارند. با این‌حال، جریانی ثابت و مستمر در سیاست خارجی آمریکا، همچنان با همان ذهنیت خطی و پرخطرِ دوران پیش از جنگ عراق، به مسأله ایران می‌نگرد و نسخه‌ای مشابه را دنبال می‌کند.

در این چارچوب فکری، اطلاعات نه بر پایه تحلیل متوازن، بلکه از دریچه بدبینانه‌ترین سناریوها فیلتر می‌شود؛ جایی که مواضع بازدارنده و رفتار منطقه‌ای ایران نه به‌عنوان بخشی از محاسبات استراتژیک، بلکه به‌مثابه نشانه‌ای از دشمنی ذاتی تفسیر می‌گردد. چنین زاویه دید محدودی، ارزیابی واقعی تهدیدات را مخدوش ساخته و ظرفیت دیپلماسی را به‌شدت محدود کرده است.

جلوه بارز این نگاه را می‌توان در مواجهه واشنگتن با برنامه هسته‌ای ایران دید؛ برنامه‌ای که علیرغم سال‌ها نظارت مداوم و سخت‌گیرانه از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و فقدان هرگونه سند معتبر مبنی بر تلاش برای تسلیحاتی‌سازی، همچنان در گفتمان سیاست‌گذاران آمریکایی، به‌عنوان تهدیدی پنهان نظامی معرفی می‌شود. در این فضای مسموم از بدگمانی، فضاسازی سیاسی و فشار شبکه‌های لابی‌گری، ماهیت واقعی و صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران بر مبنای تنوع‌بخشی انرژی، توسعه فناوری بومی و تأکید بر حاکمیت ملی به‌کلی به حاشیه رانده شده و نادیده گرفته می‌شود.

برای فهم دقیق ریشه‌ها و اهداف برنامه هسته‌ای ایران، باید این واقعیت را در نظر گرفت که پایه‌گذاری این برنامه نه در تاریکی و پنهان‌کاری، بلکه در چارچوب همکاری‌های رسمی و آشکار با نهادهای غربی صورت گرفت. برخلاف تصویری که بعدها در فضای رسانه‌ای و سیاسی شکل گرفت، انگیزه‌های اولیه ایران برای توسعه فناوری هسته‌ای، به سال‌ها پیش از انقلاب ۱۳۵۷ بازمی‌گردد و در بستر روابط بین‌المللی و با حمایت قدرت‌های غربی بنیان گذاشته شده بود.

در دهه ۱۹۷۰، مؤسسه پژوهشی «اِستنفورد ریسرچ» به درخواست مستقیم دولت آمریکا، گزارشی تهیه کرد که صراحتاً به دولت شاه توصیه می‌کرد برای پاسخ به نیازهای بلندمدت انرژی، یک برنامه گسترده هسته‌ای غیرنظامی راه‌اندازی کند. این مطالعه تأکید می‌کرد که علی‌رغم برخورداری ایران از منابع عظیم نفت و گاز، رشد مصرف داخلی و تحولات بازار جهانی انرژی، به‌زودی کشور را به سمت بهره‌گیری از انرژی هسته‌ای برای حفظ ثبات اقتصادی سوق خواهد داد.

ماشین دروغ‌سازی علیه ایران: بازی مشترک نومحافظه‌کاران، لابی‌ها و صنایع جنگ

با این حال، در دو دهه گذشته، این بستر تاریخی و زمینه واقعیِ شکل‌گیری برنامه هسته‌ای ایران عملاً از روایت‌های رایج کنار گذاشته شده است. در عوض، چارچوبی مسلط شکل گرفته که موضوعی قابل مدیریت در حوزه اشاعه هسته‌ای را به بحرانی ادراکی تبدیل کرده؛ بحرانی که نه‌تنها امکان دیپلماسی را تضعیف کرده، بلکه چرخه بی‌اعتمادی را عمیق‌تر و ساختارمندتر ساخته است. این تحریف نه ناشی از سهل‌انگاری، بلکه نتیجه یک روایت هدفمند و مهندسی‌شده است؛ روایتی که با دقت طراحی شده تا تضاد را حفظ کند. برخلاف باور عمومی، برداشت‌های غلط درباره ایران حاصل شکست اطلاعاتی نیستند؛ بلکه در واقع، نهادهای اطلاعاتی آمریکا طی بیش از بیست سال گذشته بارها و با وضوح اعلام کرده‌اند که ایران به‌دنبال ساخت سلاح هسته‌ای نیست؛ موضعی که در «گزارش سالانه ارزیابی تهدیدات ۲۰۲۵» نیز بار دیگر تأیید شده است.

در حقیقت، ریشه بسیاری از این تصورات تحریف‌شده را باید در شبکه‌ای نیرومند و ریشه‌دار از لابی‌گرانی جست‌وجو کرد که تداوم خصومت با ایران را یک سرمایه راهبردی تلقی می‌کنند. این شبکه متشکل از ایدئولوگ‌های نومحافظه‌کار، صنایع تسلیحاتی و گروه‌های پرنفوذ حامی اسرائیل سال‌هاست که ایران را به‌طور سیستماتیک به‌عنوان دشمنی دائمی و تغییرناپذیر بازنمایی کرده است. آنان نه‌تنها گفتمان‌های سیاست‌گذاری را مهندسی کرده‌اند، بلکه با سلطه بر رسانه‌ها، افکار عمومی را نیز در جهت تثبیت این روایت بسیج کرده‌اند. در این فضا، هر صدایی که خواستار دیپلماسی و تعامل با ایران باشد، با هزینه‌های سیاسی گزافی مواجه شده است. اکنون بیش از هر زمان، مواجهه با این سازوکار قدرتمند به یک ضرورت راهبردی برای رهبری آمریکا تبدیل شده است.

دونالد ترامپ اکنون در آستانه لحظه‌ای تعیین‌کننده در سیاست خارجی ایالات متحده قرار دارد. تحقق چنین توافقی، مستلزم عبور از ساختاری فرسوده و ریشه‌دار است که طی دهه‌ها بر سیاست‌ورزی آمریکا سایه افکنده است. سیستم‌هایی که ترس را به‌جای درک پرورش داده‌اند و روایت‌هایی که خصومت را نهادینه کرده‌اند، باید بی‌محابا به چالش کشیده شوند. تعامل راهبردی باید جایگزین تقابل نمایشی شود، و دیپلماسی باید به‌جای اسارت در جنگ‌های فکری، در خدمت منافع واقعی ملت آمریکا قرار گیرد. مقابله با این ساختار، نه یک نمایش نمادین بلکه ضرورتی راهبردی است؛ تلاشی برای بازپس‌گیری سیاست خارجی ایالات متحده از چنگال شبکه‌های پنهانی که دهه‌هاست مسیر جنگ و صلح در واشنگتن را تعیین می‌کنند. در چنین بستری، موفقیت در دستیابی به توافقی معنادار با ایران، فراتر از یک پیروزی دیپلماتیک، نشانه‌ای روشن از آن خواهد بود که ترامپ کنترل ساختاری را به‌دست گرفته که همواره فارغ از اراده عمومی، مسیر سیاست خارجی آمریکا را تعیین کرده است.

اکسیوس:وزیر دفاع آمریکا پس از اینکه ایران را تهدید کرد،به اسرائیل می‌رود

بن‌بست مذاکرات و شکاف در دولت ترامپ بر سر ایران

درپی افزایش تنش‌ها میان ایران و آمریکا و به تعویق افتادن مذاکرات هسته‌ای، اکسیوس طی گزارشی به نقل از دو مقام اسرائیلی اعلام کرد که پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا قصد دارد پیش از سفر دونالد ترامپ به خاورمیانه، در سفر به اسرائیل با وزیر دفاع و نخست‌وزیر اسرائیل دیدار کند.

به گزارش خبرآنلاین، یورونیوز به نقل از اکسیوس،نوشت: این نخستین سفر پیت هگست به اسرائیل از زمان تصدی سمت وزارت دفاع آمریکا خواهد بود. این سفر در حالی انجام می‌شود که اختلاف نظر گسترده‌ای میان اسرائیل و آمریکا و همچنین در داخل دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری این کشور درباره حمله به جمهوری اسلامی ایران وجود دارد.

ترامپ روز پنجشنبه مایک والتز، مشاور امنیت ملی کاخ سفید و از حامیان اصلی راه حل نظامی برای مقابله با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را از سمت خود برکنار کرد.

به گزارش واشنگتن‌پست، آن‌چه بیش از هر چیز نارضایتی دونالد ترامپ را از مایک والتز برانگیخت، عملکرد او در دیدار ترامپ با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در اوایل ماه فوریه در کاخ سفید بود. در آن جلسه به نظر می‌رسید که والتز به جای هماهنگی با موضع رئیس‌جمهوری آمریکا در مورد نحوه مواجهه با جمهوری اسلامی ایران با موضع نتانیاهو مبنی بر حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران همسو است.

به گفته دو منبع مطلع، مایک والتز و بنیامین نتانیاهو پیش از آن دیدار در جلسه‌ای فشرده درباره گزینه نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران گفتگو کرده بودند.

یک منبع مطلع گفت: «والتز می‌خواست سیاست ایالات متحده را به سویی ببرد که آقای ترامپ چون هنوز راه حل دیپلماتیک را امتحان نکرده بود، با آن موافق نبود. این موضوع به گوش رئیس‌جمهوری رسید و اصلا خوشش نیامد.»

به گزارش اکسیوس،هگست قرار است روز ۱۲ مه وارد اسرائیل شود و پس از دیدار با وزیر دفاع و نخست‌وزیر اسرائیل عازم عربستان سعودی شود و به دونالد ترامپ بپیوندد.

ترامپ در جریان سفر به خاورمیانه که برای ۱۳ تا ۱۶ ماه مه برنامه‌ریزی شده قرار است به عربستان سعودی، قطر و امارات عربی متحده برود. تاکنون خبری مبنی بر قصد دونالد ترامپ مبنی بر سفر به اسرائیل منتشر نشده است.

به گزارش اکسیوس، مقامات نظامی اسرائیل و گروه‌های طرفدار اسرائیل در واشنگتن نگران آن هستند که بسیاری از افرادی که ترامپ برای سمت‌های پنتاگون انتخاب کرده، به حضور نظامی ایالات متحده در خاورمیانه، به‌ویژه در قبال ایران، با دیده تردید می‌نگرند.

نتانیاهو و مشاورانش تاکنون بارها تلاش کردند که دولت دونالد ترامپ را به انتخاب گزینه نظامی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران راضی کنند.

هگست شامگاه چهاشنبه طی پیامی جمهوری اسلامی ایران را تهدید کرده بود که تاوان حمایت از حوثی‌ها را می‌پردازد.

پیت هگست با انتشار متنی با عنوان «پیام به ایران» نوشته بود: «ما شاهد حمایت مرگبار شما از حوثی‌ها هستیم و دقیقا می‌دانیم چه می‌کنید.»

وزیر دفاع آمریکا افزود: «شما به خوبی از توان نظامی ارتش ایالات متحده آگاه هستید و به شما هشدار داده شده بود. تاوان این حمایت را در زمان و مکانی که ما تعیین می‌کنیم، خواهید پرداخت.»

غزه به جهنم تبدیل شده است

غول گرسنگی خودنمایی می‌کند

مدیر موسسه «الحق» فلسطین از اوضاع جهنمی ساکنان نوار غزه بر اثر سیاست های جنایتکارانه رژیم صهیونیستی خبر داد.

به گزارش ایرنا به نقل از خبرگزاری شهاب، «شعوان جبارین» گفت: غزه با گذشت بیش از ۶۰ روز محاصره شدید، گرسنگی برنامه ریزی شده، ممانعت از ورود کمک های بشردوستانه و بسته بودن همه گذرگاه ها، در فاجعه انسانی بی سابقه ای به سر می برد.

وی افزود: این دوره فاجعه بار، غزه را در سایه فروپاشی کامل خدمات بهداشتی و انسانی و وخامت روزافزون اوضاع معیشتی ساکنان، به جهنم تبدیل کرده است. جبارین ادامه داد: ممانعت از ورود مواد غذایی و تجهیزات پزشکی و نیز سوخت و آرد بر شدت رنج های ساکنان افزوده است. ساکنان در شرایط فاجعه بار به سر می برند. غول گرسنگی خودنمایی می کند، به طوری که هزاران غیرنظامی از ناتوانی در تامین قوت روزانه برای روزهای متوالی بر اثر گرسنگی از پا در می آیند. مدیر موسسه الحق فلسطین درباره تداوم این سیاست ها که به جان باختن هزاران غیرنظامی منجر خواهد شد، به ویژه کودکان، بیماران، سالخوردگان و زنان باردار در صورتی که تحرک فوری برای پایان این وضع انجام نشود به شدت هشدار داد. وی از جامعه جهانی خواست که به مسئولیت قانونی و اخلاقی خود از طریق فشار فوری برای گشودن گذرگاه ها به روی کمک های بشردوستانه و ایجاد کریدورهای امن و پایدار، ورود کمک ها برای رفع نیاز اساسی ساکنان عمل کند و تحرک جدی برای توقف نسل کشی جمعی ۱۸ماهه در غزه به عمل آورد.

جبارین اضافه کرد: سکوت در قبال این جنایت شنیع، شرم آور و ننگی برای بشریت است.

به گزارش ایرنا، رژیم صهیونیستی با بستن گذرگاه های غزه، اجازه ورود کمکهای بشردوستانه، سوخت و دارو را به غزه نمی دهد.در حالیکه از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ (۱۵ مهر ۱۴۰۲) تاکنون با تداوم تجاوزهای این رژیم به این منطقه،۵۲ هزار و ۴۹۵ نفر به شهادت رسیده اند.